ASRE ADINEH
TWO QUARTERLY
ISSN: 2588 - 3291
Nineteenth year ,No 43
Spring & Summer 2026

Explaining Zionism's "cognitive warfare" strategies based on the theory of "sovereignty of illusion" (with emphasis on the anthropological thought of Imam Khomeini (RA))

Dr. Ali Farahani[1]

Seyyed Alireza Taghavi [2]

Abstract

This research, relying on the anthropological foundations of Imam Khomeini (RA), attempts to elevate the nature of Zionism's "cognitive warfare" from the level of an information battle to the level of an ontological confrontation. According to the Imam's analysis, if the "power of fear" overcomes reason, it numbs perception, stimulates instincts, and forms false perceptions. This article shows that the Zionist media empire reproduces these same functions of fear on a global scale and, as the external embodiment of the "total illusion," tries to dominate the perceptual structure of societies by using the entertainment industry, media imagery, and inciting animalism. The findings indicate that the goal of this war is to divert humans from the path of "rational perfection" and deepen the "sugar of nature" in order to obscure divine nature. Therefore, effectively confronting cognitive warfare requires not only responding to doubts, but also reviving monotheistic rationality and rebuilding the relationship between humans and nature. Therefore, this article, focusing on the ontological analysis of cognitive warfare, explains for the first time the connection between the theory of illusory sovereignty and Zionist strategies. This article is taken from the best paper of the 21st International Conference on the Doctrine of Mahdism with the same title, which was held in Qom in Bahman 1404.

Keywords: Cognitive warfare, the rule of illusion, the anthropology of Imam Khomeini (RA), satanic perfection, the secret of nature, perception management

1. Faculty Member and Assistant Professor, Imam Hossein University, Tehran, Iran (Alifarhani@ihu.ac.ir)
2. Level 3 student of Qom Seminary, researcher at the Shahid Sadr Institute for Civilizational Studies, Qom, Iran (SeyedAlirezaTaghavi@yahoo.com)

عصر آدینه
دوفصل‌نامه علمی-پژوهشی
ویژه هنر موعود
سال نوزدهم - شماره چهل و سوم
بهار و تابستان ۱۴۰۵
ISSN:2588-3291

تبیین راهبردهای جنگِ شناختی صهیونیسم بر پایه نظریه «حاکمیت وهم» با تأکید بر اندیشه انسان‌شناختی امام خمینی رحمه‌الله‌علیه *

علی فرحانی [۱]
سید علیرضا تقوی [۲]

چکیده

این پژوهش با اتکا به مبانی انسان‌شناختی امام خمینی رحمه‌الله‌علیه، تلاش می‌کند ماهیت «جنگ‌شناختی» صهیونیسم را از سطح یک نبرد اطلاعاتی به سطح یک تقابل وجودشناختی ارتقا دهد. براساس تحلیل امام، «قوه واهمه» در صورت غلبه بر عقل، موجب تخدیر ادراک، تحریک غرایز و شکل‌گیری ادراکات کاذب می‌شود. این مقاله نشان می‌دهد که امپراتوری رسانه‌ای صهیونیسم، همین کارکردهای واهمه را در مقیاس جهانی بازتولید کرده و به‌منزله تجسد بیرونی «وهمِ کل»، می‌کوشد با استفاده از صنعت سرگرمی، تصویرسازی رسانه‌ای و تحریک حیوانیت، ساختار ادراکی جوامع را تحت سلطه گیرد. یافته‌ها بیان می‌کند که هدف این جنگ، انحراف انسان از مسیر «استکمال عقلانی» و تعمیق «سُکر طبیعت» برای محجوب‌سازی فطرت الهی است. از این‌رو، مقابله مؤثر با جنگ‌شناختی نه فقط پاسخ‌گویی به شبهات، بلکه احیای عقلانیت توحیدی و بازسازی نسبت انسان با فطرت را می‌طلبد. بنابراین، این مقاله با محوریت تحلیل وجودشناختی جنگ‌شناختی، برای نخستین بار پیوند میان نظریهٔ حاکمیت وهم و راهبردهای صهیونیسم را تبیین می‌کند. این مقاله برگرفته از مقاله برتر بیست و یکمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت با همین عنوان است که در بهمن‌ماه ۱۴۰۴ در قم برگزار شده است.

واژگان کلیدی

جنگ‌شناختی، حاکمیت وهم، انسان‌شناسی امام خمینی رحمه‌الله‌علیه، استکمال شیطانی، سُکر طبیعت، مدیریت ادراک.

---

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۰۴

۱. عضو هیئت علمی و استادیار دانشگاه جامع امام حسین علیه‌السلام، تهران، ایران (نویسنده مسئول) (Alifarhani@ihu.ac.ir).

۲. طلبه سطح سه حوزه علمیه قم و پژوهشگر پژوهشکده مطالعات تمدنی شهید صدر رحمه‌الله‌علیه، قم، ایران (SeyedAlirezaTaghavi@yahoo.com).

بخش اول: کلیات و چارچوب مفهومی

مقدمه و بیان مسئله

جنگ شناختی[1] در دهۀ اخیر، به‌عنوان پیچیده‌ترین و خطرناک‌ترین نوع تقابل در عرصۀ بین‌الملل شناخته شده است. برخلاف جنگ‌های سخت که هدفشان تسخیر جغرافیا و زیرساخت‌های مادی است، جنگ‌شناختی، میدان نبرد را به «ذهن» و «ادراک» مخاطب منتقل می‌کند و در پی تغییر نحوۀ تفکر و شکل‌دهی به واقعیت‌های ذهنی جوامع است. با وجود پژوهش‌های فراوان در حوزۀ فنی و رسانه‌ای این پدیده، آنچه مغفول مانده، تبیین ماهیت وجودشناختی آن و شناسایی ریشه‌های متافیزیکی این نوع جنگ‌افروزی است.

مقالۀ پیش‌رو با بهره‌گیری از انسان‌شناسی فلسفی امام خمینی رحمه‌الله و به‌ویژه نظریۀ «حاکمیت وهم»، تلاش می‌کند نشان دهد که جنگ‌شناختی صهیونیسم، چیزی فراتر از عملیات روانی و مدیریت ادراک[2] است؛ این جنگ، بازتولید مکانیزم غلبۀ قوۀ واهمه بر عقل در مقیاس تمدنی است و هدف نهایی آن، محجوب‌سازی فطرت الهی و سدّ راه استکمال عقلانی بشر می‌باشد.

سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که: ماهیت وجودشناختی جنگ‌شناختی بر اساس مبانی انسان‌شناختی امام خمینی رحمه‌الله چیست و صهیونیسم رسانه‌ای چگونه با بهره‌گیری از مکانیزم‌های قوه واهمه، ساختار ادراکی انسان را دچار اختلال می‌کند؟

پیشینه پژوهش

مرور انتقادی ادبیات موجود نشان می‌دهد که پژوهشگران تاکنون از مناظر گوناگون تاریخی، ابزاری و مفهومی به پدیده جنگ‌شناختی نگریسته‌اند. دسته‌بندی مطالعات اخیر به شرح زیر است:

الف) رویکرد تاریخی و تبارشناسانه

برخی پژوهش‌ها ریشه‌های جنگ‌شناختی را در تاریخ اسلام جستجو کرده‌اند. مهرزاد

1. Cognitive Warfare
2. Perception Management

و پرهیزگاری، (۱۴۰۴) در پژوهشی با عنوان «تغییر مؤلفه‌های اندیشه‌ای در جنگ‌شناختی امویان علیه اهل بیت علیهم‌السلام» نشان داده‌اند که جریان اموی با راهبردهایی نظیر «خصوصیت‌زدایی از رهبری»، «ترویج جبرگرایی» و «تغییر مرجعیت فکری»، عملاً نخستین کارزار شناختی را برای دستکاری ادراک جامعه اسلامی ساماندهی کردند. این رویکرد اگرچه به ریشه‌ها می‌پردازد، اما پل ارتباطی میان آن الگوی تاریخی با ساختارهای مدرن همچون «صهیونیسم» را ترسیم نکرده است.

ب) رویکرد ابزارمحور و رسانه‌ای

بخش عمده‌ای از تحقیقات بر نقش رسانه و تکنیک‌های عملیاتی تمرکز دارند. نوحه اصفهانی و همکاران، (۱۴۰۴) در «تجزیه و تحلیل جنگ‌شناختی ایران اینترنشنال» با روش تحلیل گفتمان، نشان دادند که چگونه رسانه‌های معاند با تکنیک‌هایی نظیر «قطب‌سازی» و «وارونگی حقایق»، به دنبال شکل‌دهی به گفتمان‌های ضدحاکمیتی هستند. همچنین علی‌محمدی و همکاران، (۱۴۰۴) در پژوهش «شناسایی مؤلفه‌های جنگ‌شناختی در مدیریت صحنه نبرد»، تأثیر این جنگ بر «رفتار اجتماعی و نظامی» نیروها را بررسی کرده و نشان دادند که هدف نهایی، فرسایش «روحیه و انگیزه» و اختلال در تصمیم‌گیری از طریق دستکاری محیط اطلاعاتی است.

ج) رویکرد کلامی و اعتقادی

برخی پژوهش‌ها نظیر وادی صدر و موسوی، (۱۴۰۴)، جنگ‌شناختی را حمله به «مبانی فکری و اعتقادی» دانسته و راهکار را در «تزلزل باورهای دشمن» و «پاسخ به شبهات» می‌جویند. نقطه نارسایی این رویکرد دقیقاً در این نگاه است که تصور می‌کند جنگ‌شناختی یک «منازعه نظری مستقیم» یا به تعبیر دیگر جنگ دلیل در برابر دلیل است. اما مدعای پژوهش حاضر آن است که مکانیزم جنگ‌شناختی مدرن، نه «حمله مستقیم به استدلال»، بلکه «تغییر در ادراکات با انحراف در ذائقه و سبک زندگی» است.

د) رویکرد مفهومی و چندبعدی

دسته چهارم به تبیین ابعاد نظری پرداخته‌اند. قرایی آشتیانی و همکاران، (۱۴۰۴) در «تبیین ابعاد و مؤلفه‌های جنگ‌شناختی»، این پدیده را در شش بعد (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، ذهنی-روانی، اطلاعاتی و رسانه‌ای) مدل‌سازی کرده و تأکید

می‌کنند که کانون اصلی این نبرد، «مسخ ذهن» و مدیریت ادراک است.

جمع‌بندی و جنبه نوآوری پژوهش

خلاء اصلی ادبیات موجود در «تحلیل وجودشناختی» این نبرد است. پژوهش‌های کلامی (گروه ج)، انسان را صرفاً «موجودی استدلال‌گر» می‌پندارند که باید با برهان قانع شود؛ در حالی که دشمن با فعال‌سازی «قوه واهمه» و «تحریک غرایز»، انسان را دچار اختلال شناختی کرده و او را از ساحت «حق» رویگردان می‌کند.

این پژوهش با محوریت قرار دادن جنگ‌شناختی به‌عنوان مسئلهٔ اصلی، و بهره‌گیری از انسان‌شناسی امام خمینی رحمه‌الله به‌عنوان چارچوب تحلیل، مدلی ارائه می‌دهد که در آن جنگ‌شناختی فراتر از شبهه‌ای اعتقادی یا عملیات رسانه‌ای، به‌عنوان تلاش سیستماتیک «وهم کل» برای تسخیر «مملکت وجود انسان» تبیین می‌شود.

جدول ۱. مقایسه تطبیقی پژوهش‌های پیشین با پژوهش حاضر

پژوهشگر (سال)	عنوان پژوهش	رویکرد اصلی	نقطه تمرکز	تفاوت با پژوهش حاضر
مهرزاد و پرهیزگاری (۱۴۰۴)	تغییر مؤلفه‌های اندیشه‌ای...	تاریخی – تبارشناسی	تاکتیک‌های اموریان در تحریف دین	تمرکز صرف بر دوره تاریخی و عدم تعمیم به دوران مدرن
نوحه اصفهانی و همکاران (۱۴۰۴)	تحلیل جنگ‌شناختی ایران اینترنشنال	رسانه‌ای – گفتمانی	تکنیک‌های خبری و زبانی در بحران‌ها	نگاه ابزاری به رسانه بدون تحلیل مبانی انسان‌شناختی مخاطب
علی‌محمدی و همکاران (۱۴۰۴)	شناسایی مؤلفه‌های جنگ‌شناختی...	نظامی – رفتاری	تأثیر بر انگیزه، روحیه و رفتار نیروها	تمرکز بر سطح عملیاتی/نظامی و غفلت از ابعاد وجودی/فلسفی
وادی صدر و موسوی (۱۴۰۴)	راهبردهای قرآن در مبارزه با...	کلامی – اعتقادی	پاسخ به شبهات و جنگ عقیدتی	تقلیل جنگ‌شناختی به «نبرد استدلالی» و غفلت از «تحریک غرایز»

پژوهشگر (سال)	عنوان پژوهش	رویکرد اصلی	نقطه تمرکز	تفاوت با پژوهش حاضر
قرایی آشتیانی و همکاران (۱۴۰۴)	تبیین ابعاد و مؤلفه‌های جنگ‌شناختی	نظری – مدل‌سازی	مدل ۶ بعدی (سیاسی، ذهنی، ...)	مدل‌سازی کلی بدون تمرکز بر ماهیت «وهم» و نقش «صهیونیسم»
پژوهش حاضر	تبیین راهبردهای جنگ‌شناختی...	فلسفی – راهبردی	تحلیل مکانیزم غلبه «وهم» بر «عقل»	تلفیق انسان‌شناسی امام خمینی رحمه‌الله‌علیه با تحلیل ساختاری رفتار صهیونیسم

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، بنیادی و از نظر ماهیت و روش، «توصیفی ـ تحلیلی» است. روش گردآوری داده‌ها به صورت «اسنادی و کتابخانه‌ای» بوده که طی آن، منابع دست‌اول اندیشه امام خمینی رحمه‌الله‌علیه شامل کتب اخلاقی، عرفانی و فلسفی و اسناد راهبردی مرتبط با جنگ‌شناختی مورد فیش‌برداری و بازخوانی قرار گرفته است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش «تحلیل مفهومی» در کنار «تفسیر انسان‌شناختی» استفاده شده است. بدین معنا که ابتدا مفاهیم بنیادین جنگ‌شناختی در ادبیات مدرن استخراج گردیده و سپس این مفاهیم بر اساس دستگاه انسان‌شناختی امام خمینی رحمه‌الله‌علیه با تأکید بر جایگاه قوه واهمه، خیال و عقل تفسیر و بازتعریف شده‌اند تا الگویی نوین از ماهیت این جنگ ارائه گردد.

بخش دوم: چارچوب نظری جنگ‌شناختی؛ ریشه‌یابی وجودشناختی

برای ورود به بحث اصلی، لازم است ابتدا «جنگ شناختی» بر اساس اسناد راهبردی تعریف شده و سپس جایگاه آن در هندسه وجودی انسان تبیین گردد.

ماهیت جنگ‌شناختی: هنر نفوذ به اعماق ذهن

در ادبیات کلاسیک نظامی، جنگ به معنای تسخیر قلمرو فیزیکی بود، اما در پارادایم نوین، میدان نبرد به «قشر خاکستری مغز» منتقل شده است. بر اساس اسناد ناتو،

جنگ‌شناختی فراتر از جنگ اطلاعاتی است. فرانسوا دو کلوزل،[1] از نظریه‌پردازان کلیدی این حوزه در ناتو، تعریفی ارائه می‌دهد که ماهیت فناورانه و در عین حال روان‌شناختی این پدیده را آشکار می‌سازد:

> جنگ شناختی هنر استفاده از ابزارهای فناورانه برای تغییر شناخت اهداف انسانی است که اغلب از چنین تلاشی بی‌اطلاع هستند... این جنگی است علیه نحوه تفکر دشمن، نحوه کارکرد ذهن او، چگونگی نگرش او به جهان و نحوه توسعه تفکر مفهومی‌اش. (Du Cluzel, 2020, p.6)

این تعریف نشان می‌دهد که هدف، تغییر «محتوای فکر» نیست، بلکه تغییر «نحوه تفکر» (How the enemy thinks) است. همچنین دو کلوزل تصریح می‌کند که هدف غایی این جنگ، تخریب یکی از اساسی‌ترین سرمایه‌های اجتماعی یعنی «اعتماد» است:

> اعتماد هدف است. جنگ‌شناختی هدف تضعیف اعتماد (اعتماد عمومی به فرآیندهای انتخاباتی، اعتماد به نهادها، متحدان و سیاستمداران) را دنبال می‌کند. (Du Cluzel, 2020, p.10)

در ادبیات پژوهشی بومی نیز، اگرچه اصطلاح ناتو با عنوان «هک کردن فرد» شناخته می‌شود، اما محققان داخلی این پدیده را با تعابیری نظیر تلاش برای «فروپاشی زیرساخت‌های ذهنی» و «اختلال در دستگاه محاسباتی» توصیف کرده‌اند. (عمادی، ۱۴۰۴) بنابراین، در این پژوهش، جنگ‌شناختی با ابتنا بر رویکرد انسان‌شناختی امام خمینی رحمه‌الله بدین‌گونه تعریف می‌شود:

> جنگ شناختی، فرآیندی مهندسی‌شده برای به دست گرفتن مدیریت قوای ادراکی جامعه هدف است؛ به گونه‌ای که با فعال‌سازی و تسلط «قوه واهمه» بر «قوه عاقله»، دستگاه محاسباتی فرد دچار خطا شده و بدون آنکه احساس اجبار کند، در راستای اهداف دشمن عمل نماید.

چیستی «وهم» و جایگاه آن در هندسه معرفتی نفس

برای درک چگونگی اثرگذاری جنگ‌شناختی بر انسان، ابتدا باید «قوه واهمه» را به عنوان نقطه کانونی این نبرد در انسان‌شناسی اسلامی بازشناسی کرد. در منظومه فکری

1. François du Cluzel

امام خمینی ﷺ، وهم صرفاً یک خطای ذهنی نیست، بلکه یک «قوه ادراکی مستقل» با کارکردهای ویژه و حیاتی است که اگر تحت تربیت و تسلط انسان واقع نشود، قابلیت تبدیل شدن به «منشأ تمام شرور» را دارد.

الف) ماهیت و کارکرد ادراکی وهم

در تحلیل دقیق فلسفی، قوه واهمه قوه‌ای است که در سلسله‌مراتب ادراکی، جایگاهی میان حس و عقل دارد. امام خمینی ﷺ در تبیین جایگاه تشریحی و کارکردی این قوه بیان می‌دارند که واهمه، «محل درک معانی جزئیه است». (خمینی، ۱۳۸۰، ج۲، ص. ۴۳۵) به عبارت دیگر، برخلاف عقل که کلیات را درک می‌کند، واهمه مسئولیت درک معانی‌ای را دارد که به امور مادی و جزئی تعلق می‌گیرند؛ مانند درک محبت یک مادر خاص به فرزندش، یا درک دشمنی یک فرد خاص. همچنین این قوه نقش «قاسم، مرکّب و مفصّل» را ایفا می‌کند و قوا و صور را دسته‌بندی می‌نماید. (خمینی، ۱۳۸۰، ج۲، ص. ۴۳۵)

ب) «سلطنت وهم» بر قوای حیوانی

نکته کلیدی در تحلیل جنگ‌شناختی، درک «قدرت اجرایی» واهمه است. امام خمینی ﷺ برای وهم، شأنیتی فراتر از یک ادراک ساده قائل بوده و از آن به «سلطنت و حکومت» تعبیر می‌کنند. ایشان می‌فرمایند:

> قوهٔ واهمه نوعی حکومت و سلطنت[1] و سیطره بر قوای حسیه دارد چنانکه عقل سلطان قوای عقلیه است. (خمینی، ۱۳۸۰، ج۲، ص. ۴۳۵)

در این هندسه، وهم در قامت پادشاهی است که تمام قوای ظاهری و باطنی مانند خیال، حافظه، غضب و شهوت را به عنوان «آلات» و ابزار خود در اختیار دارد. (خمینی، ۱۳۸۰، ج۲، ص. ۴۳۵) جایگاه رئیسی وهم باعث می‌شود که اگر دشمن بتواند بر «وهم» یک جامعه مسلط شود، عملاً بر تمام قوای حیوانی، خیالی و حسی آن جامعه مسلط شده است.

1. Sovereignty and Dominion (of Wahm)

ج) تقابل ذاتی با عقل و گرایش به «دنیا»

خطرناک‌ترین ویژگی قوه واهمه در بحث جنگ‌شناختی، جهت‌گیری فطری آن پیش از تربیت است. امام خمینی رحمه‌الله تصریح می‌کنند که قوه واهمه در مقابل قوه عاقله که بر اساس فطرت[1] مایل به خیرات و کمالات است قرار دارد. ایشان می‌نویسند:

> قوه واهمه... فطرتاً، تا در تحت نظام عقلی نیامده و مسخَّر در ظلِّ کبریایِ نفس مجرد نشده، مایل به دنیا - که شجره خبیثه و اصل اصول شرور است - می‌باشد. (خمینی، ۱۳۸۲، ص. ۲۱)

بنابراین، وهم به صورت ذاتی میل به «طبیعت» و «مادیات» دارد و اگر رها شود، انسان را از ساحت قدس و معنویت دور کرده و به عالم کثرت و طبیعت مشغول می‌سازد. (خمینی، ۱۳۸۲، ص. ۷۷)

د) وهم به منزله «شیطان درون»

در ادبیات عرفانی امام راحل، از قوه واهمه تعبیر به «قوه شیطنت» شده است. (خمینی، ۱۳۸۲، ص. ۱۴۹) ایشان معتقدند که این قوه ابزار اصلی فریب در درون انسان است و کارویژه آن «دروغ، خدعه و مکر» است. (خمینی، ۱۳۸۲، ص. ۱۴۹) نکته بسیار مهم در تحلیل راهبردی این است که این «شیطان کوچک» (وهم جزئی) با «شیطان کل» (ابلیس یا وهم کل)[2] در ارتباط است. به تعبیر امام:

> وهم الکلّ اصلِ اصول شیطنت، و سایر اوهام جزئیه، شیطنتشان، مکتسب از آن است. (خمینی، ۱۳۸۲، ص. ۳۴)

لذا در جنگ‌شناختی، دشمن بیرونی اعم از شیاطین انس و جن با تحریک و تقویت «وهم» در درون انسان، عملاً پایگاهی داخلی برای خود ایجاد می‌کند تا از طریق آن، عقل را منزوی و مدیریت ادراک را به دست گیرد.

مکانیزم تخدیر عقل و کودتای شناختی وهم

بر اساس مبانی انسان‌شناختی امام خمینی رحمه‌الله، جنگ‌شناختی صرفاً یک نبرد اطلاعاتی برای «فریب» نیست، بلکه فرآیندی پیچیده برای «تغییر ساختار حکمرانی در

1. Primordial Nature (Fitrah)
2. Universal Wahm (Total Illusion)

مملکت وجود انسان» است. تغییر ساختاری که طی یک مکانیزم مرحله‌به‌مرحله رخ داده و در آن «قوه واهمه» با به خدمت گرفتن سایر قوا، عقل را منزوی و در نهایت «تخدیر» می‌کند. این فرآیند در چهار مرحله قابل تبیین است:

الف) ائتلاف وهم با طبیعت و اصالت‌بخشی به ماده

اولین گام در جنگ‌شناختی، جلب توجه نفس به عالم طبیعت است. امام خمینی رحمه‌الله‌علیه تصریح می‌کند که قوه واهمه به دلیل سنخیت خود، مایل به دنیا و طبیعت است و اگر کنترل نشود، نفس را به سمت «تعمیر دنیا» و «استغراق در شهوات» سوق می‌دهد. (خمینی، ۱۳۶۸، ص. ۴۰۰) در این مرحله، دشمن با برجسته‌سازی جذابیت‌های حسی و مادی از طریق رسانه و سبک زندگی، قوه واهمه را تحریک کرده و توجه نفس را از «حقایق وجودی» به «ظواهر مادی» منحرف می‌سازد. اشتغال نفس به عالم طبیعت، موجب می‌شود که «نورانیت فطرت» از دست برود و رابطه انسان با حقایق منقطع گردد. (خمینی، ۱۳۸۲، ص. ۱۱۷)

ب) تسخیر قوای اجرایی نفس توسط وهم

پس از جهت‌دهی نفس به سمت دنیا، وهم برای تثبیت حاکمیت خود نیازمند «ابزار» است. در انسان‌شناسی امام رحمه‌الله‌علیه، وهم دارای نوعی «سلطنت» بر قوای حیوانی است. ایشان بیان می‌دارند که منافع «واهمه شیطانیه» در این است که با خدعه و مکر، «کار غضب و شهوت را راه بیندازد». (خمینی، ۱۳۶۸، ص. ۱۹) در جنگ‌شناختی، دشمن با تحریک دائم غرایز اعم از شهوات جنسی، خشم، ترس و هیجانات کاذب، عملاً سربازان قوه واهمه را تغذیه می‌کند. وقتی آتش شهوت و غضب برافروخته شود، قوه واهمه از اعتدال خارج شده و زمام امور را در دست می‌گیرد. (خمینی، ۱۳۸۲، ص. ۲۵۵) در این وضعیت، عقل که نیازمند آرامش برای قضاوت است، در هیاهوی غرایز به حاشیه رانده می‌شود.

ج) مدیریت خیال و تولید ادراکات کاذب

یکی از مهم‌ترین ابزارهای وهم برای تداوم سلطه، تسخیر «قوه خیال» است. امام خمینی رحمه‌الله‌علیه خیال را به «مرغی بس پروازکن» تشبیه می‌کنند که اگر مهار نشود، دستاویز شیطان خواهد بود. (خمینی، ۱۳۶۸، ص. ۱۷) در فرآیند جنگ‌شناختی، واهمه با

مدیریت قوه خیال، دست به «تصویرسازی» می‌زند. اینجاست که دشمن با تولید تصاویر، روایت‌ها و اخبار جعلی، خوراک قوه خیال را تأمین می‌کند. امام رحمه‌الله توضیح می‌دهند که وقتی وجهه قلب به سوی دنیا باشد، القائات وارده به آن از سنخ «جهالات مرکبه شیطانیه» و «اوهام خبیثه» خواهد بود. (خمینی، ۱۳۶۸، ص. ۴۰۰) نتیجه این امر، شکل‌گیری یک «واقعیت پنداری» در ذهن مخاطب است که هیچ نسبتی با واقعیت خارجی ندارد، اما برای فرد، عین حقیقت جلوه می‌کند.

د) تخدیر ادراکی و وارونگی حقیقت

مرحله نهایی و خطرناک‌ترین سطح جنگ شناختی، «تخدیر عقل» است. برخلاف تصور رایج که گمان می‌شود عقل در این مرحله صرفاً اشتباه می‌کند، نظریه امام رحمه‌الله نشان می‌دهد که عقل و مدارک انسانی دچار نوعی «سُکر»، مستی و «تخدیر» می‌شوند. ایشان می‌فرمایند:

> سُکر طبیعت،[1] که چشم و گوش و سایر مدارك ما را تخدیر کرده، نمی‌گذارد ما از حقایق وجودیه و هویات عینیه اطلاعی حاصل کنیم. (خمینی، ۱۳۶۸، ص. ۶۵۵)

در این وضعیتِ «وارونگی ادراکی»، ذائقه انسان تغییر می‌کند؛ به گونه‌ای که حقایق الهی و معارف عقلی در ذائقه او تلخ و سنگین می‌آید و در مقابل، اباطیل و اوهام شیطانی، شیرین و گوارا جلوه می‌کند. (خمینی، ۱۳۸۲، ص. ۱۱۵) این همان نقطه‌ای است که در جنگ شناختی، جامعه هدف بدون اعمال فشار فیزیکی، در برابر حقیقت مقاومت کرده و با میل و رغبت به سمت اهداف دشمن حرکت می‌کند؛ چراکه «دستگاه محاسباتی» او نه تنها مختل، بلکه «مسخ» شده است.

نظریه استکمال شیطانی:[2] حرکت تکاملی به سوی «وهمِ کل»

یکی از نوآوری‌های عمیق در انسان‌شناسی امام خمینی رحمه‌الله که مبنای تحلیل رفتار دشمن در جنگ شناختی قرار می‌گیرد، نظریه «استکمال شیطانی» است. برخلاف تصور رایج که سقوط را صرفاً نوعی کاستی یا ضعف می‌پندارد، در این نگاه، انسان و جامعه همان‌طور که می‌توانند در مسیر عقلانی صعود کنند، می‌توانند در مسیر «وهم و

1. Intoxication of Nature (Natural Inebriation)
2. Satanic Perfection (Diabolical Perfection)

شیطنت» نیز سیر استکمالی و رشد یابنده داشته باشند.

امام خمینی رحمه‌الله تصریح می‌کند که حرکت انسان به سمت عالم تجرد، حرکتی قهری و ذاتی است، اما جهت این حرکت تعیین‌کننده است:

> انسان وقتی که از طبیعت بیرون می‌رود، ممکن است موقع بیرون شدن مجردی عقلانی و یا مجردی شیطانی باشد؛ در نتیجه انسان یا مجردی سعید می‌شود یا مجردی شقی می‌گردد. (خمینی، ۱۳۸۰، ج ۳، ص. ۷۲)

در جنگ‌شناختی، هدف دشمن صرفاً فاسد کردن اخلاق نیست، بلکه ساختن انسانی است که در «شقاوت» به فعلیت رسیده است. وقتی فرد یا جامعه‌ای به‌طور مداوم تحت حاکمیت وهم قرار گیرد، قوهٔ واهمه در او تدریجاً تقویت شده و به سطحی از تجرد می‌رسد که بتواند بر سایر قوای ادراکی مسلط شود. امام خمینی رحمه‌الله توضیح می‌دهند که اگر نفس در مسیر تهذیب الهی قرار نگیرد، «قوّهٔ واهمه زیادتر می‌گردد و به طرف شیطانِ الکُلّ که وَهمِ الکلّ است نزدیک می‌شود». (خمینی، ۱۳۸۰، ج۳، ص. ۳۵) بر اساس همین مبنا، می‌توان تفسیر کرد که نظام سلطهٔ معاصر نیز در مقیاس کلان، با انباشت قوای واهمیِ سازمان‌یافته، به نوعی «تجرد شیطانی» و هوشمندی مبتنی بر اغوا دست می‌یابد؛ هوشمندی‌ای که کارکرد اصلی آن مدیریت فریب، مهندسی ادراک و هدایت خیال جمعی به‌سوی ادراکات کاذب است. در چنین وضعی، فرآیند «استکمال شیطانی» نه فقط در فرد، بلکه در ساختارهای سیاسی و رسانه‌ای جهانی به‌صورت یک نظام فعال و آگاهانه استمرار می‌یابد.

تطابق فرد و جامعه: استکبار جهانی به منزله تجسد بیرونی «وهم»

آخرین و مهم‌ترین رکن نظری برای گذار به تحلیل سیاسی، اصل «تطابق فرد و جامعه» (انسان صغیر و کبیر) است. در اندیشه امام خمینی رحمه‌الله، آنچه در درون نفس انسان رخ می‌دهد، در مقیاس کلان اجتماعی نیز قابل تحقق است. اگر در درون فرد، «وهم» بر «عقل» کودتا کند، نتیجه آن «استبداد نفسانی» است؛ و اگر همین اتفاق در مقیاس جامعه بشری رخ دهد، نتیجه آن ظهور «استکبار جهانی»[1] خواهد بود.

امام خمینی رحمه‌الله با تشریح مفهوم «وهم کل» در انسان کبیر (عالم)، بیان می‌دارند:

1. Global Arrogance (Global Hegemony)

در مقابل این حقیقت نورانیه [عقل کل]، حقیقت دیگر است که آن «وهم کل» است در انسان کبیر، که به حسب فطرت و جبلّت، مایل به شرور و فساد و داعی به اُغلوطه و اختلاق است. (خمینی، ۱۳۸۲، ص. ۲۳)

بر این اساس، «جنگ شناختی» که امروز توسط امپراتوری رسانه‌ای غرب و صهیونیسم اداره می‌شود، در واقع بازتاب بیرونی همان «حکومت واهمه» است.

بر این اساس، می‌توان گفت جنگ شناختی دقیقاً سه کارکرد اصلی قوه واهمه که در انسان‌شناسی فلسفی امام مطرح شد را در سطح کلان بازتولید می‌کند: ۱. داعی به اُغلوطه و اختلاق: که در جنگ شناختی به صورت «تولید کلان‌روایت‌های جعلی» و «وارونگی حقایق» نمود می‌یابد. ۲. میل ذاتی به شرور: که از طریق ترویج فساد سیستماتیک و قبح‌زدایی اخلاقی دنبال می‌شود. ۳. سلطنت بر قوای اجرایی: همان‌طور که وهم بر قوای بدن مسلط می‌شود، در اینجا نیز امپراتوری رسانه‌ای بر تمام ابزارهای ادراکی بشر سیطره یافته است.

بنابراین، در چارچوب این دستگاه تحلیلی، صهیونیسم فراتر از یک ساختار سیاسی، به‌منزله «تجسد عینی وهمِ کل» قابل تبیین است. این ساختار با بهره‌گیری از ابزارهای شناختی، در پی بسط «هژمونی وهم» بر ساختارهای ادراکی در مقیاس جهانی است.

تطبیق مکانیزم سقوط فردی و ساختار استکباری جهانی در چارچوب نظری امام خمینی رحمه‌الله‌علیه

رابطه میان «وهم فردی» و «استکبار جهانی»، رابطه‌ای مبتنی بر «تطابق وجودی» است. همان‌گونه که در پژوهش‌های پیشین و در تبیین نظریه «تطابق استکمال صغیر و کبیر» اثبات شده است (فرحانی و تقوی، ۱۴۰۴)، تکامل انسان (عالم صغیر) دارای دو سویه عقلانی و شیطانی است که عیناً به ساحت جامعه (عالم کبیر) تسری می‌یابد.

بر اساس این الگو، آنچه در سطح فردی به عنوان غلبه قوه واهمه بر عقل رخ می‌دهد، در سطح تمدنی به صورت «تأسیس ساختار استکباری» ظهور می‌یابد. در این مدل، نظام سلطه در امتدادِ فرآیند «استکمال شیطانی»، مدیریت قوای اجرایی عالم نظیر رسانه یا قدرت نظامی را به دست گرفته و نوعی حرکت قهقرایی را بر جهان تحمیل می‌کند. جدول زیر، این مدل تطبیقی را که نشان‌دهنده «بسطِ مکانیزمِ سقوطِ فردی» در

«مقیاسِ جهانی» است، ترسیم می‌نماید.

سطح تحلیل	سطح فردی (روان‌شناختی)	سطح جهانی (سیاسی - رسانه‌ای)
حاکم (فرمانده)	قوه واهمه (وهم جزئی) کارکرد: درک معانی جزئی و فریب ذهن	نظام سلطه / صهیونیسم (وهم کل) کارکرد: مدیریت ادراک جهانی و وارونگی حقیقت
ابزار اجرایی ۱ (جذب)	قوه شهوت کارکرد: لذت‌جویی مادی و غفلت	صنعت سرگرمی و پورنوگرافی کارکرد: تخدیر توده‌ها و سُکر اجتماعی
ابزار اجرایی ۲ (دفع)	قوه غضب کارکرد: خشم، ترس و هیجان	میلیتاریسم و خشونت رسانه‌ای کارکرد: ایجاد اضطراب استراتژیک و وحشت
میدان نبرد	قوه خیال محل جولان صور و تصاویر ذهنی	فضای سایبر و رسانه محل بمباران اطلاعات و تصویرسازی
هدف غایی (قربانی)	عقل قدسی و فطرت نتیجه: سلطه وهم و سقوط در وادی شقاوت	عقل جمعی و بیداری ملت‌ها نتیجه: تثبیت جاهلیت مدرن و پذیرش سلطه

بخش سوم: راهبردهای عملیاتی جنگ‌شناختی و سازوکارهای اجرایی آن

بر اساس مبانی نظری تبیین‌شده، جنگ‌شناختی صهیونیسم نبردی برای «تثبیت حاکمیت وهم» بر قوای ادراکی بشر است. در این چارچوب، صنایع فرهنگی و رسانه‌ای غرب، نه به عنوان ابزارهای سرگرمی یا اطلاع‌رسانی، بلکه به عنوان «تکنولوژی‌های تغییر خویشتن» تحلیل می‌شوند که دو کارکرد اصلی دارند: «تخدیر عقل» از طریق سینما و سرگرمی و «تحریک حیوانیت» از طریق پورنوگرافی و خشونت.

راهبرد «تخدیر ادراکی»، صنعت سرگرمی و سُکر طبیعت

نخستین و فراگیرترین راهبرد، عملیاتی‌سازی مفهوم نظری «سُکر طبیعت» است. صنعت سینما و سرگرمی در نظام سلطه، دقیقاً کارکردِ تولیدِ این سُکر و بی‌حسی را بر عهده دارد تا مانع اطلاع انسان از حقایق وجودیه شود. مکانیزم اثرگذاری این ابزار بدین‌گونه است:

اشباع قوه خیال

رسانه با بمباران تصویری، قوه خیال را دائماً مشغول نگه می‌دارد. امام خمینی ﷺ توضیح می‌دهند که وقتی توجه نفس به دنیا و لذت‌های آن معطوف شود، «القائات شیطانی» در باطن خیال صورت می‌گیرد و این القائات منشأ «تخیلات باطله و اوهام خبیثه» می‌گردد. (خمینی، ۱۳۶۸، ص. ۴۰۰)

انسداد باب تفکر

هدف نهایی این سرگرمی‌ها، پر کردن فضای ذهنی مخاطب است تا فرصت «تأمل» و بازگشت به خویشتن از او سلب شود. در این وضعیت، انسان در حصاری از «خیالات مدیریت‌شده» محبوس می‌شود و قدرت تشخیص حقیقت را از دست می‌دهد.

راهبرد «تحریک حیوانیت»، صنعت پورنوگرافی و خشونت

دومین بازوی عملیاتی جنگ‌شناختی، فعال‌سازی «قوای حیوانی» (شهوت و غضب) برای کنار زدن عقل است. طبق مبانی نظری پژوهش، قوه واهمه برای سلطنت خود نیازمند ابزار است و ابزار او، قوای شهویه و غضبیه هستند. امام خمینی ﷺ تصریح می‌کنند:

> منافع نفس صاحب واهمهٔ شیطانیه... این است که با هر شیطنت و خدعه شده کار غضب و شهوت را راه بیندازد. (خمینی، ۱۳۶۸، ص. ۱۹)

صنعت پورنوگرافی که مبتنی بر تحریک شهوت است و ابزار تهدیدات نظامی و تحریمی حاکم بر نظام سلطه که به تحریک غضب اشتغال دارد، ابزارهای مدرن برای این استراتژی هستند:

خروج از اعتدال

وقتی آتش شهوت و غضب از طریق این صنایع برافروخته شود، قوه واهمه از حالت اعتدال خارج شده و به «تدبیرات شیطانیه» برمی‌خیزد. (خمینی، ۱۳۸۲، ص. ۲۵۵)

تسخیر مملکت وجود

با غلبه این قوا، «لشکر رحمان و جنود عقل مضمحل گردند» و مملکت وجود انسان به اشغال «جنود شیطان» درمی‌آید. (خمینی، ۱۳۶۸، ص. ۵) در چنین جامعه‌ای که

غرایز حیوانی برافروخته شده است، سخن از «عقلانیت» و «معنویت» شنونده‌ای نخواهد داشت، زیرا ذائقه جامعه تغییر کرده است.

راهبرد «واقعیت‌سازی وهمی»: مهندسی روایی و وارونگی حقایق

سومین ابزار، جایگزینی «حقیقت» با «مشهورات رسانه‌ای» است. در پارادایم جنگ‌شناختی، دشمن تلاش می‌کند تا با «هژمونی روایت»، تفسیری وارونه از واقعیت ارائه دهد. (عمادی، ۱۴۰۴، ص. ۴۸) همان‌طور که در مبانی نظری (بخش ۲-۳) تبیین شد، ریشه این پدیده در ذاتِ «وهم کل» و استکبار وجودی وی نهفته است. در این راهبرد، رسانه‌ها به عنوان ابزار اجرایی وهم کل، با تکرار یک دروغ و استفاده از تکنیک‌های «مهندسی افکار عمومی»، فضایی را ایجاد می‌کنند که در آن، جای جلاد و شهید، و حق و باطل عوض می‌شود. اتفاقی که با تکیه بر فناوری، در مقیاس جهانی اجرا می‌شود.

تجسد ساختاری «وهم کل»: انحصار رسانه‌ای و هم‌سویی راهبردی

تحلیل راهبردهای سه‌گانه فوق (تخدیر، تحریک و وارونگی) بدون شناخت «زیرساخت مادی» و «کارگزاران انحصاری» آن ناقص خواهد بود. داده‌های اقتصاد سیاسی رسانه در سال ۲۰۲۴ نشان می‌دهد که جریان اطلاعات جهانی در وضعیت «تراکم انحصاری» قرار دارد. این انحصار که در قالب ۶ ابرشرکت بزرگ رسانه‌ای و فناوری (شامل والت دیزنی، کامکست، وارنر برادرز دیسکاوری، پارامونت گلوبال، نیوز کورپ و آلفابت/گوگل) سامان یافته، تنها یک پدیده تجاری نیست، بلکه به منزله «تجسد ساختاری وهم کل»، بستری برای اعمال حاکمیت ایدئولوژیک صهیونیسم فراهم آورده است.

واکاوی رفتار سازمانی این ابرشرکت‌ها حاکی از آن است که رسانه در این پارادایم، نه یک ناظر بی‌طرف، بلکه به عنوان «امتداد لجستیک جنگ‌شناختی» عمل می‌کند. برخی شواهد مستند از هم‌سویی ارگانیک میان مالکان این رسانه‌ها و کانون‌های قدرت صهیونیستی عبارتند از:

شرکت والت دیزنی

این مجموعه که سهم عمده‌ای از مدیریت تخیل جهانی را در اختیار دارد، در

کنش‌های خود الگویی از هم‌پوشانی سازمانی با ساختارهای امنیتی رژیم صهیونیستی را به نمایش گذاشته است. باب ایگر (Robert Alan Iger)، مدیرعامل این شرکت، در اقدامی که نشان‌دهنده خروج از بی‌طرفی تجاری است، منابع مالی شرکت را به پشتیبانی از نهادهای متصل به ساختار دفاعی اسرائیل نظیر سازمان سپر داود سرخ (Magen David Adom) اختصاص داد (The Walt Disney Company, 2023). رفتاری که مؤید ارتباط عمیق غول‌های رسانه‌ای با نهادهای حاکمیتی صهیونیزم است.

نیوز کورپ

نیوز کورپ (News Corp) به عنوان بازوی متمرکز بر خبر و نشر در امپراتوری رسانه‌ای مرداک، به عنوان یک ابزار راهبردی در جنگ‌شناختی عمل می‌کند. این شرکت که مالکیت غول‌های مطبوعاتی اثرگذاری همچون «وال‌استریت ژورنال» (The Wall Street Journal)، «نیویورک پست» (New York Post) و «تایمز» (The Times) را در اختیار دارد، از ظرفیت بی‌نظیری برای مهندسی افکار عمومی و یکسان‌سازی روایت‌ها در سطح جهانی برخوردار است.(News Corp, 2025)

در همین راستا و در ساحت خبررسانی، رویکرد مالکان این امپراتوری رسانه‌ای که تحت حاکمیت خانواده مرداک قرار دارد، حاکی از یک هماهنگی راهبردی کاملاً مشهود است. گزارش‌های موثق از تعاملات مستقیم سطح بالا میان لاکلان مرداک رئیس کنونی نیوز کورپ و مقامات عالی‌رتبه سیاسی اسرائیل همچون بنیامین نتانیاهو در بزنگاه‌های امنیتی حکایت دارد که نشان‌دهنده همسویی سیاست‌های کلان این امپراتوری رسانه‌ای با اهداف سیاسی خاص است.(Times of Israel, 2024)

تمرکز ساختاری قدرت رسانه‌ای در اختیار صهیونیسم، تنها به مالکیت اقتصادی محدود نمی‌شود؛ بلکه دستگاه سلطه صهیونیسم برای تثبیت «وهم کل»، از این زیرساخت انحصاری در دو لایه عملیاتی بهره‌برداری می‌کند: نخست، در لایه «نرم‌افزاری» با مهندسی پیام و سانسور سیستماتیک، حقایق را وارونه جلوه می‌دهد (تکنیک اغلوطه)؛ و دوم، در لایه «سخت‌افزاری» با طراحی پلتفرم‌های اعتیادآور، ساختار عصبی و شناختی مخاطب را فرسوده می‌سازد (تخدیر عقل). در ادامه، مکانیزم دقیق هر یک از این دو لایه بررسی می‌شود:

الف) مهندسی وارونگی

اعمال «حاکمیت وهم» نیازمند بازوهای اجرایی برای کنترل روایت است. اسناد افشا شده نشان می‌دهد که رسانه‌های جریان اصلی با تعریف پروتکل‌های سازمانی، عملاً «دروازه‌بانی خبر» را به نفع روایت صهیونیستی مهندسی می‌کنند. اسناد داخلی شبکه CNN نشان می‌دهد که طبق پروتکلی موسوم به «بازبینی اورشلیم» (Jerusalem Review)، تمامی اخبار مرتبط با فلسطین باید پیش از پخش، توسط دفتری که تحت نظارت سانسور نظامی اسرائیل است، تایید شود (McGreal, 2024). همزمان، یادداشت داخلی فاش شده از نیویورک‌تایمز در سال ۲۰۲۴ اثبات کرد که استفاده از کلمات حقیقت‌نما مانند «نسل‌کشی» و «سرزمین‌های اشغالی» برای خبرنگاران ممنوع شده است تا ذهن مخاطب جهانی در یک «حصار شناختی» باقی بماند (Truthout, 2024). این اقدامات مصداق بارز مفهوم «اُغلوطه» و «اختلاق» در اندیشه امام خمینی رحمه‌الله‌علیه است که دروغ‌پردازی در سطح ساختاری به شمار می‌رود.

ب) استحاله ادراکی

تکنولوژیِ «زوال عقل» در لایه عمیق‌تر، جنگ‌شناختی نه تنها محتوا، بلکه «ظرفیت پردازش» مخاطب را نیز هدف قرار می‌دهد. در این سطح، پلتفرم‌های اجتماعی به گونه‌ای مهندسی شده‌اند که با ایجاد اختلال در کارکرد مغز، «قوه عاقله» را از کار انداخته و «قوای حیوانی» را تحریک کنند. تحقیقات طولی دانشگاه کالیفرنیا نشان می‌دهد که میانگین «بازه توجه» انسان بر روی یک صفحه نمایش، از ۱۵۰ ثانیه در سال ۲۰۰۴ به تنها ۴۷ ثانیه در سال ۲۰۲۴ سقوط کرده است (Mark, 2024, para. 3). «تکه‌تکه شدن ادراک»، امکان تفکر عمیق و استدلال عقلی را از سوژه سلب می‌کند. از سوی دیگر، اسناد محرمانه فاش شده از شرکت متا (معروف به Facebook Files) اعتراف می‌کند که الگوریتم اینستاگرام عامدانه بر نقاط ضعف روانی دست می‌گذارد. طبق این اسناد، مدیران متا می‌دانستند که این پلتفرم «مشکلات تصویر بدن را در ۳۲ درصد از دختران نوجوان بدتر می‌کند» و ۱۳ درصد از نوجوانان بریتانیایی که افکار خودکشی داشتند، این تمایل را مستقیماً متوجه اینستاگرام دانسته‌اند. (Horwitz & Seetharaman, 2021, para. 5) همچنین تحقیقات عصب‌شناختی نشان می‌دهد که مکانیسم «پاداش

متغیر» در این اپلیکیشن‌ها، با ترشح دوپامین، مغز را در حالت «انتظار پاداش» نگه داشته و با تحریک دائمی سیستم لیمبیک یا همان مرکز احساسات و غرایز، فرصت بازگشت به تعادل عقلانی را از کاربر می‌گیرد. (Lembke, 2021, p. 45).

بخش چهارم: غایت‌شناسی جنگ‌شناختی، جنگ علیه فطرت و مهدویت

تحلیل جنگ‌شناختی بدون درک «غایت نهایی» آن ناقص است. اگر صهیونیسم را تجسد «وهم کل» و سلطه آن را با ابزارهای تخدیری بدانیم، پرسش اساسی این است که هدف غایی این نظام سلطه چیست؟ بر اساس منظومه فکری امام خمینی رحمه‌الله‌علیه، این جنگ در عمیق‌ترین لایه خود، نبردی علیه «فطرت الهی» انسان و سد کردن راه «ظهور عقل کل» است، زیرا امام خمینی رحمه‌الله‌علیه عدالت مهدوی را تجلی قوه عاقله و ایجاد عدالت در جامعه انسانی می‌دانند. (خمینی، ۱۳۷۸، ج۱۲، ص. ۴۸۱)

محجوب کردن فطرت: راهبرد «فراموشی خویشتن»

هدف حقیقی جنگ‌شناختی، قطع ارتباط انسان با «عالم بالا» است. امام خمینی رحمه‌الله‌علیه معتقدند که فطرت انسان، عاشق کمال مطلق است و «فطرت‌های اصلیّه که از نورانیّت خود خارج نشده‌اند، لازمهٔ آنها تصدیق حق و خضوع برای حقیقت است». (خمینی، ۱۳۸۲، ص. ۱۱۷) نظام سلطه می‌داند که اگر فطرت بیدار باشد، هیچ‌گاه زیر بار ولایت طاغوت نمی‌رود. لذا راهبرد اصلی، «محجوب کردن فطرت» از طریق اشتغال به دنیاست. جنگ‌شناختی با ترویج سبک زندگی مادی و لذت‌جو، لایه‌هایی از «حجاب‌های ظلمانی» را بر روی قلب انسان می‌کشد تا ندای فطرت شنیده نشود.

تقابل با مهدویت: نبرد با «احیاگر عقل»

در نگاه کلان تاریخی، جنگ‌شناختی نبردی میان دو قطب است: «قطب وهم» شامل استکبار و صهیونیسم و «قطب عقل» شامل جریان حق و در اوج آن مهدویت. صهیونیسم به عنوان نماینده «وهم کل»، با ابزارهای رسانه‌ای و شناختی، مصداق بارز جریانی است که واقعیت را وارونه جلوه می‌دهند. در مقابل، امام خمینی رحمه‌الله‌علیه مهدویت را جریانی می‌دانند که جهان را از شر این «فریب‌کاران شناختی» پاک می‌کند؛ در سوی دیگرِ این تقابل، پارادایم مهدویت قرار دارد که کارکرد اصلی آن «تطهیر فضای شناختی»

از فریب و وارونگی است. بر اساس اندیشه امام خمینی ﷺ، این جریان با بازگرداندن «اصالت» به ساختارهای ادراکی، زمینه خروج انسان از سلطه جریان‌های فریبکار را فراهم می‌آورد. (خمینی، ۱۳۷۸، ج۱۴، ص. ۴۷۲)

نکته بسیار حائز اهمیت در اندیشه امام ﷺ که ارتباط مستقیم با جنگ‌شناختی دارد، تعریف ایشان از «عدالت مهدوی» است. برخلاف تصور رایج که عدالت را صرفاً رفاه اقتصادی می‌پندارد، امام ﷺ عدالت مهدوی را «تعدیل قوای ادراکی و عقلی» بشر می‌دانند. ایشان می‌فرمایند:

> [ظهور] عدالت در تمام مراتب انسانیت [است]... اگر در عقاید انحرافاتی باشد برگرداندن آن عقاید کج به عقیده صحیح و صراط مستقیم، این ایجاد عدالت است در عقل انسان. (خمینی، ۱۳۷۸، ج۱۲، ص. ۴۸۱)

بنابراین، اگر کارویژه جنگ‌شناختی «ایجاد انحراف در عقل» یا تخدیر است، کارویژه مهدویت «بازگرداندن عقل به صراط مستقیم» یا به عبارت دیگر تعدیل است. از این رو، ظهور منجی انفجاری از «آگاهی و معرفت» است که بساط «حاکمیت وهم» را برمی‌چیند. امام ﷺ در توصیف این رخداد عظیم می‌فرمایند:

مهدی منتظر در لسان ادیان و به اتفاق مسلمین از کعبه ندا سر می‌دهند و بشریت را به توحید می‌خواند. (خمینی، ۱۳۷۸، ج۱۸، ص. ۸۷)

ندایی توحیدی که پایان‌دهنده «تکثرگرایی وهمی» و بت‌پرستی مدرن است.

بخش پنجم: نتیجه‌گیری و پیشنهاد راهبردی

یافته‌های پژوهش

بر اساس یافته‌های این پژوهش، جنگ‌شناختی صهیونیسم را باید یک تقابل وجودشناختی تلقی کرد که با فعال‌سازی قوهٔ واهمه و تخدیر عقل، به دنبال تغییر در هندسهٔ معرفتی انسان‌هاست. این نبرد از سه مکانیزم اصلی «تخدیر ادراکی»، «تحریک حیوانیت» و «واقعیت‌سازی وهمی» بهره می‌گیرد و ساختار رسانه‌ای آن، تجسّد عینی «وهم کل» در سطح جهان است. در مقابل، راهبرد مقابله، احیای عقلانیت توحیدی و بازسازی فطرت از طریق ایجاد اکوسیستم معرفتی متکی بر عقل و معناست. نتایج تفصیلی پژوهش به‌شرح زیر است:

۱. ارتقای سطح تحلیل

جنگ شناختی صهیونیسم فراتر از یک عملیات روانی، یک تقابل وجودشناختی است که هدف آن تغییر در «هندسه معرفتی» انسان از طریق غلبه «وهم» بر «عقل» است.

۲. مکانیزم اثرگذاری

این نبرد از طریق سه رکن «تخدیر عقل»، «تحریک حیوانیت» و «تولید ادراک کاذب» عمل می‌کند.

۳. تطابق ساختاری

ساختار رسانه‌ای صهیونیسم به عنوان تجسد بیرونی «وهم کل»، دقیقاً همان کارکردی را در جهان دارد که قوه واهمه در نفس انسان دارد یعنی هدایت به سوی کثرت و غفلت.

۴. غایت نهایی

هدف نهایی این جنگ، جلوگیری از «استکمال عقلانی» و محجوب‌سازی فطرت برای ممانعت از پذیرش ولایت الهی است.

نوآوری نظری

این پژوهش برای نخستین بار با تلفیق «انسان‌شناسی فلسفی امام خمینی رحمه‌الله‌علیه» و «مطالعات امنیتی مدرن»، مدلی را ارائه داد که در آن رفتار دشمن نه صرفاً سیاسی، بلکه تابعی از «استکمال شیطانی» تحلیل می‌شود.

پیشنهادهای راهبردی

۱. احیای عقلانیت توحیدی از طریق ترویج معارف عقلی، ارتقای سواد رسانه‌ای و آموزش تفکر انتقادی بر مبنای فطرت.

۲. تضعیف حاکمیت وهم با تقویت زیست‌جهان معنوی، سبک زندگی فطرت‌محور و کاهش وابستگی ادراکی به رسانه‌های سرگرمی‌محور.

۳. مدیریت خیال از طریق تولید محتوای هنری و رسانه‌ای مبتنی بر حقیقت، روایت‌سازی معنوی و ارائه الگوهای تصویری سازگار با عدالت ادراکی.

۴. بازسازی محیط ادراکی جامعه با اصلاح ساختارهای فرهنگی، تقویت نهادهای

تربیتی و ایجاد سازوکارهای صیانت از ذهن نوجوانان.

۵. راهبرد مقابله تمدنی با تمرکز بر ایجاد «اکوسیستم معرفتی» که عقل، فطرت و معنا را بر فضای ادراکی جامعه حاکم کند.

بنابراین، مقابله مؤثر با جنگ‌شناختی تنها با پاسخ به شبهات فراهم نمی‌شود، بلکه نیازمند ایجاد یک زیست‌جهان معرفتی جدید است که در آن عقل، فطرت و معنا، محور سامان‌یافتگی ادراک جمعی باشند.

پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی

با توجه به محدودیت‌های این پژوهش، پیشنهاد می‌شود محققان در مطالعات آینده به بررسی نقش «هوش مصنوعی» به عنوان ابزار نوینِ تقویت‌کننده «قوه خیال» و تأثیر آن بر «اراده آزاد» انسان از منظر فلسفه اسلامی بپردازند.

منابع

- ترابی، حسن؛ و احمدی، فاطمه. (۱۴۰۴). تاب‌آوری شناختی در برابر جنگ‌شناختی علیه ایران: مؤلفه‌ها، تحلیل و راهکارهای ارتقاء، ***فصلنامه شناخت‌پژوهی مطالعات سیاسی***، ۲(۱).
- خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۶۸). ***شرح چهل حدیث***، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه‌الله‌علیه.
- خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۷۸). ***صحیفه امام (مجموعه آثار، جلدهای ۱۰، ۱۲، ۱۴، ۱۸، ۲۱)***، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه‌الله‌علیه.
- خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۸۰). ***تقریرات فلسفه (جلدهای ۲ و ۳)***، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه‌الله‌علیه.
- خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۸۲). ***شرح حدیث جنود عقل و جهل***، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه‌الله‌علیه.
- علی‌محمدی، سجاد؛ آبیار، علی؛ و اصغرزاده، اصغر. (۱۴۰۴). شناسایی مؤلفه‌ها و شاخص‌های جنگ‌شناختی مؤثر بر رفتار اجتماعی و نظامی کارکنان در مدیریت صحنه نبرد، ***فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی***، ۲۴(۱۰۸).
- عمادی، سید رضی. (۱۴۰۴). ابعاد شناختی جنگ ۱۲ روزه و الگوی مقاومت ادراکی

جمهوری اسلامی ایران، ***فصلنامه شناخت‌پژوهی مطالعات سیاسی***، ۲(۳).
- فرحانی، علی و تقوی، سید علیرضا. (۱۴۰۴). ***از «استکمال شیطانی» تا «شیطان اکبر»: تبیین انسان‌شناختی ماهیت و افول استکبار در اندیشه امام خمینی*** رحمه‌الله، مجموعه مقالات سومین کنفرانس بین‌المللی افول آمریکا؛ جهان پساآمریکا و دوران جدید، دانشگاه جامع امام حسین علیه‌السلام.
- قرایی آشتیانی، محمدرضا، شکوهی، حسین، بیک‌بیلندی، علی‌اصغر و دیگران. (۱۴۰۴). تبیین ابعاد و مؤلفه‌های جنگ‌شناختی، ***فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک***، ۲۳(۹۹).
- مرادی بهمنی، علی. (۱۴۰۴). دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با جنگ‌شناختی؛ چالش‌ها و فرصت‌ها، ***فصلنامه شناخت‌پژوهی مطالعات سیاسی***، ۲(۱).
- مهرزاد، رضا؛ و پرهیزگاری، سید روح‌اله. (۱۴۰۴). تغییر مؤلفه‌های اندیشه‌ای در جنگ‌شناختی امویان علیه اهل‌بیت علیهم‌السلام، ***نشریه مطالعات میان‌رشته‌ای تمدنی انقلاب اسلامی***، ۴(۱۴).
- نوحه اصفهانی، امید؛ گودرزی، مهناز؛ و یزدانی زازرانی، محمدرضا. (۱۴۰۴). تجزیه و تحلیل جنگ‌شناختی ایران اینترنشنال در حوادث بعد از فوت مهسا امینی، ***فصلنامه تحولات سیاسی اجتماعی معاصر ایران***، ۴(۱۱).
- وادی صدر، محسن؛ و موسوی، سید روح‌الله. (۱۴۰۴). راهبردهای قرآن کریم در مبارزه با مبانی اعتقادی دشمنان با محوریت جنگ‌شناختی و نرم، ***معرفت***، ۳۴(۲).
- Du Cluzel, F. (2020). Cognitive Warfare. NATO Innovation Hub.
- Horwitz, J., & Seetharaman, D. (2021, September 14). Facebook knows Instagram is toxic for teen girls, company documents show. The Wall Street Journal. https://www.wsj.com/articles/facebook-knows-instagram-is-toxic-for-teen-girls-company-documents-show-11631613939
- https://en.wikipedia.org/wiki/News_Corp
- https://www.theguardian.com/media/2024/feb/04/cnn-staff-pro-israel-bias
- Lembke, A. (2021). Dopamine Nation: Finding Balance in the Age of Indulgence. Dutton.
- Mark, G. (2024). Speaking of Psychology: Why our attention spans are shrinking. American Psychological Association. https://www.apa.org/news/podcasts/speaking-of-psychology/attention-spans
- McGreal, C. (2024, February 4). CNN staff say network's pro-Israel

slant amounts to ‘journalistic malpractice’. The Guardian.
- News Corp. (2025, November 14). In Wikipedia. https://en.wikipedia.org/wiki/News_Corp
- Times of Israel. (2024, February 13). Media tycoon Lachlan Murdoch heads to Israel for secret meeting with Netanyahu. The Times of Israel.
- Truthout. (2024, April 16). Leaked document shows NYT censorship of words like "genocide" in Gaza coverage. Truthout. https://truthout.org/articles/leaked-document-shows-nyt-censorship-of-words-like-genocide-in-gaza-coverage/
- The Walt Disney Company. (2023, October 14). The Walt Disney Company Donates to Support Humanitarian Relief Following Terrorist Attacks in Israel. The Walt Disney Company.